



در گفت وگو با مهدی جعفری جوزانی، فرهنگ سازی با بازی های ویدئویی بررسی شد

روایت مجازی از حماسه حقیقی

۸

بررسی فیلمی که راوی اتفاقات دهه اول انقلاب است

اجرای عدالت عین مصلحت است

۱۰

در گفت وگوی «جام جم» با حجت الاسلام دکتر مصطفی صادقی کاشانی بررسی شد

تنوع تحریفات در قیام عاشورا

۱۱

در گفت وگوی «جام جم» با تهیه کننده و کارگردان برنامه محرمی شبکه ۲ مطرح شد

دروغ ممنوع در چند روایت معتبر

۷



۹- آزادی مطلق تحصیل برای عموم مردم از هر سنی و هر طبقه‌ای با هر شرایطی

۱۰- بورس و تأمین مسکن و امکانات تحصیل برای هر دوطرفی

۱۱- قید لایف‌ک آخلاق با علم به طور طبیعی و در عین حال اجتناب ناپذیر

۱۲- تماس دائمی با توده‌ها

۱۳- تعهد رهبری فکری و هدایت اجتماعی مردم

۱۴- پیوند ناگسستنی ایدئولوژی و علم

۱۵- وجود یک فرهنگ عمومی و مشترک، جهت واحد و هماهنگی میان رشته‌های مختلف علمی با وجود تخصص

۱۶- پیوستگی با گذشته تاریخی، فرهنگی و اعتقادی (آنچه در فرهنگ جدید می‌گسلد)

۱۷- نبودن فرم‌های ظاهری و قالبی در ارزیابی درجات شاگردی و استادی (تصدیق، رتبه) و واگذاری آن به خود مردم و میزان لیاقت شخصی و ارزش و تکامل فکری و علمی استاد یا فارغ التحصیل در جامعه، به جای کارگزینی و مقررات ترفیع‌های اتوماتیک...»^۵

ژان شاردن (سیاح فرانسوی) مشاهدات خود از تقسیمات علمی حوزه‌های علمیه در عصر صفوی را چنین بیان می‌کند:

«ایرانیان، محصلین مدارس (علمیه) را طالب علم یعنی طلبه خوانند و این تاندازه‌ای مفهوم فیلسوف (دانش دوست) را می‌رساند. نام طلبه

رتبه بندی حوزه های علمیه

قابل تقدیر در زندگی فرهنگی آنان این است که هرگز با ریش در صورت، مدرسه رفتن را خجلت نمی‌شمارند. بالعکس در تمام سنین زندگانی، عنوان طلبگی را افتخار خود می‌دانند، چنان‌که طلاب علوم ۴۰، ۵۰ و حتی ۶۰ ساله را مشاهده می‌فرمایید که چنته‌ای به دست و کتاب‌هایی در زیر بغل و قلمدانی در شال کمر برای تحصیل و تعلم شتاب می‌کنند، بعضی اوقات تصادفاً می‌بینید برخی از این شاگردان کهنسال مبتدی و به اصطلاح اروپایی در کلاس‌های پایین هستند. بسیاری از ایرانیان از یکدیگر درس می‌گیرند و به یکدیگر درس می‌دهند، یعنی در آن واحد، هم استاد هستند و هم شاگرد، علمی را بیوند با حوزه‌های بزرگ بوده‌اند، در صورت علاقه به ادامه تحصیل، به حوزه‌های بزرگ‌تر می‌رفتند.

در دهه‌های اخیر نیز با توجه به رشد و ارتقای جایگاه حوزه علمیه قم، علاوه بر درس‌آموختگان حوزه‌های شهرهای ایران، طلاب حوزه‌های هند، پاکستان، لبنان، بحرین و بسیاری از شهرهای واجد حوزه، برای طی مدارج عالی تحصیلی به این شهر می‌روند.

درواقع، نوعی رتبه بندی حوزه‌های، همراه با پیوند دو سویه بین حوزه‌های اصلی و حوزه‌های فرعی، از آغاز تاکنون وجود داشته است.

محمود دکتر علی شریعتی درباره خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد طلبه و طلاب در کتاب انتظار می‌نویسد:

«... این مجاهدان پاکباز راه علم و ایمان با پولی که از مخارج یک مرغ آمریکایی کمتر است، جوانی را فدای آموزش علم دین می‌کنند و در زمانی که هر دانشجویی رشته تحصیلی‌اش را براساس درآمد آینده‌اش انتخاب می‌کند، وی رشتையی را برگزیده که دوران طلبگی‌اش اینجین به زهدی باورنکردنی می‌گذرد و پس از فراغ از تحصیل، کوچک‌ترین تضمینی برای تأمین زندگیش وجود ندارد و یکی

قسمت ۴

روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

بی‌نوشت‌ها

۱- حوزه علمیه - ویکی فقه (دانشنامه حوزوی)

۲- ژان شاردن - سیاحت‌نامه - پیشین - جلد ۵- صفحات ۱۲ و ۱۴

۳- دکتر علی شریعتی - جلسه پاسخگویی به سوالات منتقدین - سه شنبه ۲۳ آذر ۱۳۵۰ مصادف با سالروز

حضور آقایان صدر بلاغی، سید مرتضی شبستری،

محمّد تقی شریعتی، ناصر میناجی

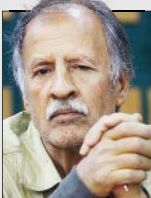
۴- دکتر علی شریعتی - جلسه پاسخگویی به سوالات منتقدین - سه شنبه ۲۳ آذر ۱۳۵۰ مصادف با سالروز

شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام- کتاب

مذهب علیه مذهب- مجموعه آثار ۲۲- انتشارات

سبز- چاپ اول- خرداد ۱۳۶۱- صفحات ۳۱۲ تا ۳۱۳

نیاز بیشتر به «نیاز»؟



هر مناسبتی را که پشت سر می‌گذاریم بیشتر از پیش می‌فهمیم چقدر سینما نسبت به آن منفعّل عمل کرده است. فرقی نمی‌کند این مناسبت ملی باشد یا مذهبی، تاریخی یا به روز، کهن یا معاصر و... معمولاً سینمای ایران به اندازه اهمیت اثر برای نمایش ندارد.

حالا در برخی ایده‌ها شاید توجیه‌پذیر باشد، چرا که ممکن است دامنه موضوعیت آن بخش محدودی از مردم را در بر بگیرد یا فعلاً ضرورت آن احساس نشود، ولی در مواجهه با مناسبت‌هایی مانند عید نوروز، ماه مبارک رمضان و ایضاً آنچه باعث سیاهپوشی مردم ایران و بخشی از جهان در همین روزها شده، یعنی واقعه عاشورا که از هر حیث دارای مؤلفه‌های جذاب دراماتیک است.

برگزاری برنامه‌های مختلف محرمی، به خصوص تاسوعا و عاشورا، در ایران علاوه بر عمق فرهنگی آن، صنعتی بزرگ از تولید و اشتغال را به وجود آورده است، صنعتی که سینما نه تنها از آن بهره نمی‌برد، بلکه از منظر وظیفه هنری و رسانه‌ای نیز محمل تأثیرگذاری به حساب نمی‌آید. هیچ رویدادی به اندازه عاشورا مضمون و فرم مناسب سینمایی ندارد. آنچه آثار هنری از جمله فیلم‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند، گرایش به دستمایه‌هایی چون آزادگی، عدالت خواهی، ایستادگی در برابر ظلم، برابری اجتماعی، مردانگی، وفای به عهد، خانواده محوری، جنگ با جبهه شر، شهادت خواهی و بالاخره رفاقت و عشق و ایثار است.

هریک از رویکردهای نامبرده به تنهایی چنانچه در یک اثر دراماتیزه شود، جایگاه آن را بالا می‌کشد و به آن ارج و قرب ویژه می‌بخشد. بنابراین عاشورا همواره می‌تواند کهن الگوی سینمای برتر و متعالی تلقی شود. اکنون پرسش این است که آیا فیلم‌های مناسبتی همچون عاشورا الزاماً باید در قالب تاریخی و با پروداکشن سطح بالا ساخته شود، مثلاً سفیر، روز واقعه، رستاخیز و یکی دوتای دیگر؟ پاسخ این قلم قطعه منفی است. البته ساخت فیلم‌های اشاره شده ضرورت دارد و در صورت فراهم بودن امکانات چه بهتر که چنین فیلم‌هایی در صف تولید قرار داشته باشند اما آنچه که بیش از همه ضرورت دارد این‌که موضوع و مفاهیم و آرمان‌های عاشورایی در آثار با گونه‌های متنوع ساری و جاری باشد.

ملا صحنه‌های ارجاعی فیلم‌های مرحوم رسول ملاقلی پور به عاشورا در سینمای دفاع مقدس جدی و قابل تأمل است، به خصوص صحنه معروف فیلم «افق» که در پرداخت سینمایی و فرم ارائه نیز جزو ماندگارهای این گرایش است. در فیلم‌های مستند نیز همواره جای کار وجود دارد اما غالب مستندسازان صرفاً وجه بیرونی و فیزیکی عاشورا را به تصویر کشیده و عموم این فیلم‌ها نگاهی توریستی به برنامه‌های عزاداری و دسته‌های سینه‌زنی دارند. کمتر کارهای امثال پرویز کیمیایی، ناصر تقوایی و... گرچه با نگاهی نه چندان پذیرفتنی اما با پشتوانه پژوهشی مثال زدن به منصفه رسیده‌اند.

باگردیم به فیلم‌های بلند داستانی که اصلی‌ترین موضوع این بحث است. چرا دیگر فیلم‌هایی مانند «نیاز» ساخته نمی‌شوند، سؤالی است که البته در آسیب‌شناسی نقاط ضعف سینمای ایران زیاد به آن پرداخته شده است، ولی در اینجا اشاره به آن از منظر کمک به کمبود فیلم‌های مناسبتی است. باید در سیاست‌های کلان سینمای ایران توجه به فیلم‌های اجتماعی با موضوعات عاشورایی توجه ویژه صورت گیرد. ازخود گذشتگی، رفاقت و ایثار می‌تواند همچنان موتور محرکه درام‌های جمع و جور و کم هزینه، ولی به شدت کاربردی و فرهنگ ساز در سینمای ایران باشد. در یک کلام، امروزه خیلی بیشتر به فیلم‌های دلی مانند «نیاز» ساخته علیرضا داوودنژاد نیاز داریم که از جهات مختلف پاسخگوی خواست مردم در مناسبت‌های مختلف باشند.